

# نجوم و طالع‌بینی از نگاه شریف بکری

مریم شاه‌حسینی<sup>۱</sup>

## مقدمه

علم نجوم و ستاره‌شناسی از شیرین‌ترین دانش‌ها و علمی است که مورد توجه بشر بوده و از دیرباز تمدن‌های کهن مانند مصر، بابل و یونان از آن در زندگی روزمره و تنظیم کارها و حتی در پیشگیری از وقوع برخی حوادث و رخدادها بهره می‌بردند.

در دوره اسلامی و به دنبال نهضت ترجمه کتاب‌های علمی از جمله نجومی از زبان‌های یونانی و سریانی به عربی ترجمه گردید و مسلمانان با علم نجوم آشنا شدند؛ البته اعراب قبل از اسلام نیز به ستارگان و آسمان توجه داشته و حتی برخی از اجرام آسمانی را به عنوان بت می‌پرستیدند.

با فتح ایران، کار ترجمه متون پهلوی به عربی صورت گرفت و علم نجوم از مهم‌ترین علمی بود که از ایران وارد تمدن اسلامی گردید. به جهت تعیین سالنامه و اوقات شرعی و همین‌طور ساعات سعد و نحس که مورد توجه شاهان و امرای درباری بود؛ هزینه‌های زیادی صرف ایجاد رصدخانه‌ها شد. انجام رصد‌های پیاپی باعث دست‌یابی ستاره‌شناسان مسلمان به یافته‌های نجومی گردید؛ ایرانیان مسلمان نیز با کمک یافته‌های نجومی موجود در کتاب‌های ترجمه شده و با دانش خود، کتاب‌هایی در این زمینه تألیف نمودند که علی ابن محمد بن یحیی الشریف بکری الموصلی المنجم از جمله آن بزرگان است که کتابی نجومی با عنوان *برهان الکفایه* را تألیف نموده است.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه تهران.

## شرح حال نویسنده کتاب

در مورد زندگی و شخصیت شریف بکری اطلاع چندانی در دسترس نیست؛ در لغت‌نامه دهخدا ذیل کلمه بکری چنین آمده است:

«بکری، [ب] [ص نسبی] منسوب به ابوبکر، (منتهی الادب) (ناظم الأطباء) (آندراج)، اا منسوب به بکر بن عون نخعی، از (سمعانی).

علی بکری [ع ی ب] (اخ) ابن محمد شریف بکری موصلی از منجمان و احکامیان متقدم بود. او راست : برهان/الکفایه در علم نجوم .

در فرهنگ نفیسی آمده است: <sup>۱</sup>

« بکری (bekriy) ص.ع. منسوب به بکر (bekr)

بکری ( bekriy ) ص.ع. منسوب به ابو بکر و به ابن بکر بن عبد مناف و به بکر ابن وائل. «

در منتهی الادب چنین آمده است: <sup>۲</sup>

« البکری: به فتح باء نقطه‌دار و سکون کاف در آن راء، این منسوب است به گروهی از کسانی که نامشان ابوبکر و بکر است. پس اما ابتدا گروهی هستند که به ابوبکر صدیق جانشین رسول خدا منسوب می شوند. ایشان فرزندان و نوه های بسیاری دارند، مردم منسوب به بکر بن وائل هستند که از جمله ی ایشان اسعد بن عامر البکری بود. در مورد او صحبت شده و گفته شده عمرو بن الأسد. ابو عمرو سعد بن ایاس البکری الشیبانی و قاسم بن عوف شیبانی بکری و سماک بن حرب بن اوس ذهل بکری.

و برادرانش محمد و ابراهیم ایجادکنندگان جنگ بودند و احمد بن حاتم بن عبدالحمید بن عبدالملک بکری از فرزندان بکر بن وائل که از اهل سمرقند به حساب می آمد.

از مطرف بن حسان الضبی و سلم بن اُبی مقاتل و دیگران روایت کرد، ابوسعید ادریسی در کتاب کامل برای سمرقندی‌ها آن را یاد کرد و سوم منسوب به ابوبکر بن عبد منافه بن کنانه بن خزیمه و از ان عامر بن وائله البکری و دیگران است.

چهارم منسوب به بکر بن عوف بن النخع، از ایشان علقمه بن عبدالله بن سلمان بن کهیل بن بکر بن عوف بن النخع البکری کوفی، عموی اسود بن یزید و عموی ابراهیم بن یزید نخعی بود. «

## سال تألیف کتاب

برهان/الکفایه بنا به نسخه موجود در دانشگاه تهران (کتابت به تاریخ ذی‌الحجه سال ۸۳۶ ه.ق.)، در تاریخ قبل از ۶۳۶ ه.ق. و یا شاید قبل از سده ششم هجری تألیف شده است.

۱. نفیسی، علی اکبر؛ فرهنگ (فرنوسار)، ج ۱

۲. سماعی؛ الأنساب، ج ۱

## علت تألیف کتاب

در زمان نویسنده، به دلیل کثرت منابع و پراکندگی موضوعات در کتاب‌های گوناگون و نقل مباحث نجومی به طور شفاهی میان منجمین؛ هر آن امکان فراموشی این اطلاعات وجود داشت، از این رو شریف بکری اقدام به تألیف کتاب جامعی نمود:

«از بس که خواندم احکام‌های استادان و کتاب‌های ایشان، پس چنانم غرض افتاد که این کتاب را تصنیف کردم. از جهت آنکه بسیار روزگار باید و دل فارغ و مدت دراز تا کتاب‌های استادان به تمامی خوانده شود و به یک کتاب مقصود مردم حاصل نمی‌شود پس جهد کردم به تأمل و رنج و محنت و تعجب بر گرفتم و این کتاب را جمع کردم.»

## محتوای کتاب

برهان‌الکفایه کتابی است نجومی در سیر کواکب و طالع‌بینی؛ شامل یک مقدمه و دوازده باب و خاتمه؛ نویسنده در مقدمه آن علم نجوم را به دو بخش تقسیم کرده: یک بخش علم حساب و علم هندسه و علم کل، بخش دیگر علم احکام که هر یک انواعی دارد.

در ابتدا نویسنده کلیات علم نجوم را در باب معرفت نگاه کردن، صاحب طالع و بیرون آوردن خوبی بیان نموده؛ سپس موارد هر یک را به طور کامل شرح داده است. برای اختصار به مواردی از آن اشاره می‌کنیم: باب معرفت نگرستن شامل:

«معرفت نگرستن، معرفت بقاء، معرفت خطا، معرفت آنکه ضمیر چگونه باید کردن، استخراجات بیرون آوردن، دلیل طالع و دلیل مسئول عنه، دلیل عاقبت خانه چهارم و غیره»  
برای نمونه؛ نویسنده در معرفت خطا چنین آورده:

«معرفت خطا اندر مسئله افتد از چند روی باشد که یا آلت قیاس گرفتن ساعت یا به خاطر اسطرلاب یا دوم به خاطر پرسنده که نیت راست و درست نتواند کرد و آنچه در دل وی باشد به زبان عبادت نتواند کردن، سوم سؤال به وقت نیم روز بود یعنی به وقت زوال و نداند که آفتاب زوال گشت یا نی که هر چند اندک دقیقه بود اندرین وقت بسیار خطا افتد اندر ساعات و طالع و چهارم که قوت سعدان و نحسان برابر باشند به شهادت و دلالت فرق نتواند کردن و معین نتواند شناختن. آنگاه خطا افتد و هر مسئله که از این چهار علت بیرون آید صواب است.»

باب صاحب طالع شامل:

«قبول صاحب طالع، بیرون آوردن دلیل طالع یعنی مستولی، بیرون آوردن ضمیر به چند وجه، دانستن ضمیر که حقیقت آن چیست و از چه چیز است، دقایق ضمیر و غیره»

برای نمونه، نویسنده در قبول صاحب طالع چنین آورده:

«قبول صاحب طالع یک شهادت است و قبول صاحب حاجت نیم شهادت است. اتصال صاحب طالع یا صاحب حاجت به یکدیگر یک شهادت است.»

باب بیرون آوردن خبی شامل :

« دانستن خبی و جوهر آن، دانستن لون خبی، دانستن جایگاه خبی، کیفیت خبی، مزه ی خبی، عدد خبی و وزن وی و غیره »

برای نمونه، نویسنده در دانستن عدد خبی و وزن وی چنین آورده:

«بگیر از درجه قمر با درجه عطارد و درجات جمع کن و بنگر اگر میان ایشان از برج‌ها جفت بود، آن خبی بیشتر از یکی باشد یا چیزی بود پیوسته و اگر میان ایشان برج‌ها طاق بود پس چیزی بود تنها و یکی و اگران عدد بسیار بود.»

سپس در باب سیر کواکب و طالع‌بینی ابتدا؛ آنچه را که لازم بود درباب دوازده برج (بیت) بیان داشته که این‌ها شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. دلایل طالع: «دلیل بر مسئله سائل از حال تن و جان هر چه که طلب کند و طلب خواهد کرد تا اندر هر کاری که اعدا کند یا کاری که اندر وی باشد و موارد و مدت مسکن مولود اندر رحم مادر و بر عمر و سرف و زمینی که اندر آن زمین زاده بود و کارهای نو پدید آمده و از حال زندگانی و از خیر و شر که به مردم رسد.»

۲. بیت‌المال: «دلیل کند بر اموال و کسب و معاش و یاری کردن و مال و منفعت یافتن از تجارت و غیر تجارت.»

۳. بیت‌الأخوه: «دلیل کند بر سفر نزدیک و تحویل و نقل و زوال چیزی و بر برادران و خبر آوردن و بردن و فرح یافتن بر حال برادر و خواهر و دوستان و خویشان.»

۴. بیت‌العاقبه: «دلیل کند بر خریدن خانه و سرای و و دقینه پنهان کردن و بیرون آوردن و عاقبت کارها و کشف رازهای پوشیده و پنهان.»

۵. بیت‌الولد: «دلیل کند بر حال فرزندان که به چه طالع زاید و به حال آبستن شدن زنان و رسولان و خیر و نام‌ها و پیغام‌ها و شادی و جایگاه حق و راستی.»

۶. بیت‌المرض: «دلیل کند بر بیماری‌ها و اسباب وی و پرستاران و سم و هل کردن و معالجت و دلیل کند بر ناظر اندام‌ها و بر جای ماندن و بنده خریدن و آزاد کردن.»

۷. بیت‌النساء: «دلیل کند بر زنان و تزویج و سنت‌های و زن و شوهری و گریخته و گم شدن و کبوتر و دزدیده و نام دزد و خصومت و حرب و صید کردن و انبازی کردن و معاملات.»

۸. بیت‌الموت: «دلیل کند بر مرگ و کشتن و میراث و وصیت کردن و زهرهای کشنده و بیم و ترس و بر هر چیزی که هلاک وی شود.»

۹. بیت‌السفر: «دلیل کند بر سفرها و داده‌ها و غایب و نامه و غربت و کارهای خدا و نبوت و دین و مساجد و طالب علم و دانستن چیزهای دیگر از فلسفه و نجوم و کتاب‌ها.»

۱۰. بیت‌العمال: «دلیل کند بر عمل سلطان و والی و قاضی و عامل و صاحب شرف و ریاست و بزرگی و کار و پیشه.»

۱۱. بیت‌الرجاء: «دلیل کند بر امید داشتن و سعادت و بخت و دولت و دوستان و حمد و ثنا و فرزندان و یاران و مهمانی.»

۱۲. بیت‌الأعداء: «دلیل کند بر شقاوت و دشمنان و حاسدان و بدبختی و احوال دشمنان و غم و حبس و بند و محبوس و زندانی خریدن.»

آنچه که به کواکب سبعة (هفت ستاره) منسوب است و جریئات آن در باب مفاتیح القضاء، در چند فصل آمده است. به عنوان مثال در فصل دوم اندر برج‌ها (متفق المطالع و متفق القوه و متفق الطریقه) سخن گفته: «برج‌ها که متفقند به مقابله طبیعی، برج‌ها که متفقند به تربیع طبیعی و برج‌ها که مطیعند مر یکدیگر را.» و یا در فصل هفتم «اندر معرفت احوال کواکب و دلالت ایشان بر سعادت و نحوست» سخن گفته است.

بعد از آن، نویسنده، طالع هر برج و مسائل آن را در چندین فصل به طور مفصل شرح داده که به اختصار طالع برج سوم چنین است:

#### برج ثالث من الطالع و مافیة من المسائل<sup>۲</sup>:

فصل اول: دانستن حال برادران، فصل دوم: حال برادران در نیکی و بدی، فصل سوم: اندر دانستن آن که به نزدیک تواند به نصیحت پی ناصح است یا نه، فصل چهارم: در نگریستن حال خبری که ببايد خواست یا باطل، فصل پنجم: در احکام صاحب سیوم در دوازده خانه (بیت)، فصل ششم: در اختیارات اختیار جای گردانیدن، فصل هفتم: در احکام هفت کوكب و جوزهر در خانه سوم، (مشتري در سیوم، مریخ در سیوم، شمس در سیوم، زهره در سیوم، عطارد در سیوم، رأس در سیوم، ذنب در سیوم)؛ فصل هشتم: در احکام رجعت و اختراق و فساد نحس، اختراق صاحب سیوم، اختراق و فساد نحس در خانه سیوم.

در خاتمه در مورد کیفیت اوقات و کمیت روزگار سخن گفته: «بدان که اوقات پدید آید از حرکات پس هر ابتدایی هر کسی که اندر فلک بود تا انتهای زمانه؛ آنکه اندر میان ایشان است در آن وقت است و هر حرکت را مبتدی است تا سپری شود به مزاجی که موافق بود او را نه آن نیز هم وقتی است که بر خیری و بر شری دلیل کند و...»

از دید شریف بکری، علم نجوم گستردگی بسیار داشت تا حدی که در ریزترین مسایل زندگی روزمره انسان‌ها از تولد تا مرگ هر انسان و وقایع ما بین آن مانند تجارت، خرید منزل، ازدواج، تولد فرزند، تعیین نام برای او، شناخت طالع فرزند و نیز مسایلی مانند دزدی و جزیئات آن مثل اینکه دزد خودی است یا نه، دزد در شهر است یا نه، مال دزدی با دزد هست یا به کسی داده و نظایر آن اطلاعات جامعی به دست می‌دهد.

۱. هفت ستاره شامل: زحل، مشتری، مریخ، شمس، زهره، عطارد، قمر است.

۲. بیت الأخواه: «دلیل کند بر سفر نزدیک و تحویل و نقل و زوال چیزی و بر برادران و خبر آوردن و بردن و فرح یافتن بر حال برادر و خواهر و دوستان و خویشان.»

در واقع علم نجوم در کنار سایر مهارت‌ها هم چون طبابت و معماری و غیره قرار گرفته و به آن کمک می‌نمود و این از جهت تمدنی قابل تأمل است؛ مثلاً از طریق حرکت ستارگان به جنسیت فرزند (پسر یا دختر بودن) و یا علت بیماری و اینکه درد در کدام ناحیه از بدن است و همچنین به زمان مرگ و نظایر آن پی می‌بردند. نویسنده به تمامی مطالب توجه کرده اما تا حدی آمیخته به خرافات می‌باشد؛ با اینکه در بسیاری از موارد، انسان را به نتیجه مطلوب می‌رساند اما از دید یک فرد مسلمان سرنوشت و زندگی هر کسی در لوحی محفوظ از جانب خدا تعیین شده و بسیاری از بلاها و بدی‌ها را می‌توان با یاری خدا برطرف نمود و اینکه همه چیز تحت اراده خداوند است و ستارگان اجزای کوچکی از جهان هستی‌اند. نکته دیگر اینکه در بیان برخی از احکام، نقل قول‌هایی را از برخی حکما هم چون بطلمیوس، ابو معشر، دردیوس، یعقوب اسحاق کندی آورده و در ادامه نظر خود را با عنوان قول مصنف اظهار داشته است. در مجموع برهان/کفایه کتاب جامع و کاملی در علم نجوم است و این را از نسخه‌های موجود می‌توان دریافت.

### نسخه مورد استفاده

به خط نسخ، با عنوان‌های شنگرف و لاجورد.  
در سده یازدهم ه.ق. مهد علیا نسخه را برای مدرسه تازه‌ساز خود در تهران در روز پنج‌شنبه (۱۸/۱۲۷۲) وقف کرد.  
کاتب: مالک مسیح نوری وازی و محمدصالح طبیب.  
کاغذ سپاهان نخودی، جلد تیماج مشکی ضربی؛ گرد آن زرد: ۲۰۶ گ ۱۵/۵ × ۲۳ - ۲۳ س ۱۲ × ۱۷.

### نسخه‌های موجود

وجود نسخه‌های فراوان از این کتاب که حدود ۳۴ نسخه خطی در کتابخانه‌های مختلف موجود است؛ حاکی از اهمیت آن در این علم است؛ تاریخ کتابت قدیمی‌ترین آن (موجود در دانشگاه تهران)، چاشت روز پنج‌شنبه دهه اول ذی‌الحجه سال ۸۳۶ ه.ق. و تاریخ کتابت جدیدترین نسخه (موجود در کتابخانه مجلس) علی ابن محمد بن یحیی الشریف بکری الموصلی المنجم از جمله بزرگانی است که کتابی نجومی با عنوان برهان‌الکفایه را تألیف نموده است.

دو شنبه هجدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۳۹ ه.ق. می‌باشد. نسخه‌های این کتاب در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، ملی، مجلس، ملک، مرعشی نجفی، سپهسالار و نشریه و دایره‌المعارف موجود می‌باشد.

۱. دانشگاه تهران - کتابت: دهه اول ذی‌الحجه سال ۸۳۶ ه.ق.

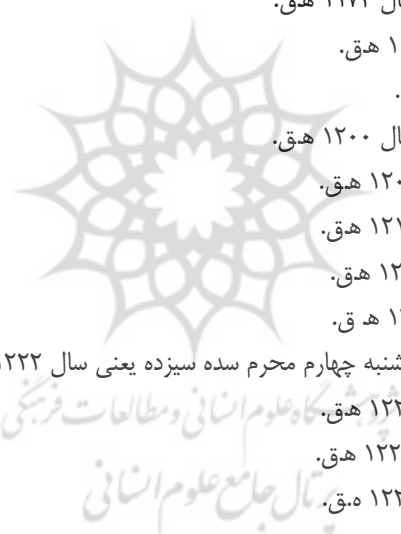
۲. ملی - کتابت: م به احتمال قرن نهم ه.ق. یعنی سال ۹۰۰ ه.ق.

۳. ملک - کتابت: سال ۹۹۹ ه.ق.

۴. نشریه - کتابت: سال ۱۰۰۰ ه.ق.

۵. مرعشی - کتابت: چهارم جمادی الثانی سال ۱۰۴۶ ه.ق.

۶. دانشگاه - کتابت: سال ۱۰۵۰ ه.ق.
۷. مجلس - کتابت: سال ۱۰۵۲ ه.ق.
۸. ملی - کتابت: سال ۱۰۶۲ ه.ق.
۹. دایرةالمعارف - کتابت: سال ۱۰۶۳ ه.ق.
۱۰. حقوق تهران - کتابت: سال ۱۰۶۶ ه.ق.
۱۱. مرعشی - کتابت: سال ۱۰۹۲ ه.ق.
۱۲. سپهسالار - کتابت: سال ۱۰۹۳ ه.ق.
۱۳. مجلس - کتابت: سال ۱۱۰۰ ه.ق.
۱۴. نشریه - کتابت: سال ۱۱۰۰ ه.ق.
۱۵. الهیئت تهران - کتابت: سال ۱۱۰۰ ه.ق.
۱۶. نشریه - کتابت: سال ۱۱۳۷ ه.ق.
۱۷. دایرةالمعارف - کتابت: سال ۱۱۷۴ ه.ق.
۱۸. ملک - کتابت: سال ۱۱۹۴ ه.ق.
۱۹. نشریه - سال ۱۱۹۴ ه.ق.
۲۰. دایرةالمعارف - کتابت: سال ۱۲۰۰ ه.ق.
۲۱. مجلس - کتابت: سال ۱۲۰۰ ه.ق.
۲۲. مجلس - کتابت: سال ۱۲۱۷ ه.ق.
۲۳. نشریه - کتابت: سال ۱۲۱۸ ه.ق.
۲۴. ملک - کتابت: سال ۱۲۲۱ ه.ق.
۲۵. مرعشی نجفی - کتابت: شبیه چهارم محرم سده سیزده یعنی سال ۱۲۲۲ ه.ق.
۲۶. مجلس - کتابت: سال ۱۲۲۸ ه.ق.
۲۷. دانشگاه - کتابت: سال ۱۲۲۸ ه.ق.
۲۸. مجلس - کتابت: سال ۱۲۲۹ ه.ق.
۲۹. سپهسالار - کتابت: سال ۱۲۶۴ ه.ق.
۳۰. الهیئت تهران - کتابت: سال ۱۲۷۱ ه.ق.
۳۱. مجلس - کتابت: سال ۱۳۰۰ ه.ق.
۳۲. مرعشی نجفی - کتابت: سال ۱۳۰۰ ه.ق.
۳۳. نشریه - کتابت: سال ۱۳۱۷ ه.ق.
۳۴. مجلس - کتابت: هجدهم ربیع‌الاول سال ۱۳۳۹ ه.ق.



## منابع

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه، تهران: ۱۳۲۵.
۲. نفیسی، علی‌اکبر، ناظم  
الأطباء، [بی. ن.]. ج ۱، تهران: ۱۳۱۷.
۳. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن منصور التمیمی، الانساب، مصحح: عبدالله عمر بارودی، ج ۱، بیروت:  
دارالجنان، ۱۴۰۸ ه.ق. - ۱۹۸۸ م.



شپوه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی